www.aminnews.ir
aminnewspaper1376
روزنامه سراسری و کثیرالانتشار صبح ایران
قیمت ۱۰۰۰۰ تومان
aminnewsagency
amine.mardom@yahoo.com



شهادت رهبر را
نه فراموش می کنیم
و نه خواهیم بخشید

امین مردم

نه ظلم کنیم،
نه ظلم بپذیریم
و نه سکوت کنیم



PDF Compressor Free Version

شنبه ۶ تیر ۱۴۰۵ / ۱۲ محرم ۱۴۴۸ هـ. ق / 27 June 2026 / شماره ۷۲۵۵ / سال بیست و نهم

شهادت امام زین العابدین تسلیت باد



تاسوعای و عاشورای تبریز؛ نقطه پیوند مردم، حاکمیت و مکتب عاشورا

یادداشت

شریعتی و چمران، روایت دو تنهایی

نسیبه پیرایش

به روزهای آخر خرداد که می‌رسیم دو نام بیشتر از همیشه تکرار می‌شوند، شریعتی و چمران.

بیست و نهم خرداد سالروز درگذشت دکتر علی شریعتی در غربت است. روشنفکری که در دهه پنجاه توانست بر ذهن و زبان یک نسل اثر بگذارد. آثار و سخنرانی‌های او فقط در میان مذهبی‌ها شنیده نشد؛ طیف‌های مختلف فکری از دانشجویان و مبارزان سیاسی گرفته تا منتقدان جدی اش ناگزیر با اندیشه‌های او درگیر بودند. شریعتی از همان زمان تا به امروز شخصیتی بحث برانگیز باقی مانده است. هم ستایش شده هم آماج نقد و ناسزا قرار گرفته است. خود او نیز از این سرنوشت بی‌خبر نبود.

او در یکی از سخنرانی‌هایش می‌گوید که در جستجوی مذهبی است «که گرسنگی را با کفر یکی بداند» و انسان را مسئول آزادی و رهایی در همین جهان بخواهد و می‌گوید: «آنچه که من در مبارزه و فعالیت‌های مذهبی به دست آوردم جز یک مقدار تهمت و فحش و توطئه چیزی نیست و راهی را که می‌دانم شب و روز تلاش کردم به عنوان بت روشنفکران نه در آن جناح چیزی می‌شوم و چیزی گیرم میاد و نه به عنوان یک چهره مقدس مذهبی در اینجا و هر دو را از دست می‌دهم و امیدوارم در این از دست دادن‌ها چیزی به دست بیاورم. زرنگی من جوری است که هم آن طبقه و این طبقه هر دو بدشان می‌آید و از این طریق فهمیدم که شاید واقعا راست می‌گویم.»

شاید در میان نسل هم عصر شریعتی کمتر کسی به اندازه مصطفی چمران زبان او را فهمید. دکتر چمران او را معلمی می‌دانست که انسان را به مسئولیت و آگاهی فرا می‌خواند.

از شهید مصطفی چمران هم زیاد شنیده‌ایم. نخبه‌ای که زندگی و کار در بهترین دانشگاه ها و مراکز علمی جهان را رها کرد و در نهایت در ۳۱ خرداد ۱۳۶۰ در راه وطن به شهادت رسید. به تازگی متنی از حسین قدیانی خواندم که تصویری شاعرانه از او ترسیم می‌کند: «چمران عاشق ایران بود و تحت هیچ شرایطی جنگ‌پرست نبود. چمران جنگ را هم برای صلح می‌خواست. صلح آدم با خودش و با خدای خودش.

چمران اگر نقاشی می‌کشید پرتره علی را می‌کشید و فرو در جلد شمع می‌رفت. خودش هم به سان شمع بود؛ آب شد و نور بخشید. هم چفیه به او می آمد هم کراوات. وقتی خبر شهادتش آمد از آوینی تا بهنود و از خمینی تا بازرگان غصه‌دار شدند. چمران آدم بود و بسیار تنها بود و من می‌نویسم چمران قطعه‌ای از بهشت بود.»

چمران پیش از آنکه یک فرمانده باشد یک انسان بود و شاید به همین خاطر است که در روزهای پایانی خرداد، نام او و شریعتی دوباره در ذهن‌ها زنده می‌شود.

در میان صدها آیین و سنت عاشورایی که در جای‌جای ایران اسلامی برگزار می‌شود، برخی مراسم‌ها فراتر از یک مناسک مذهبی، حامل پیام‌های عمیق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هستند. آیین عزاداری تاسوعای حسینی در عمارت تاریخی استانداری آذربایجان شرقی از جمله همین سنت‌های ماندگار و معنادار است؛ سنتی که سال‌های بسیاری است که در تبریز برگزار می‌شود و امروز به یکی از نمادهای پیوند مردم، حاکمیت و فرهنگ عاشورا تبدیل شده است.

هر ساله در روز تاسوعا، عمارت تاریخی استانداری آذربایجان شرقی از یک ساختمان حاکمیتی و سیاسی به حسینیه‌ای بزرگ بدل می‌شود؛ جایی که مردم، مدیران، مسئولان و خادمان نظام اسلامی در کنار یکدیگر و بدون هیچ تمایز ظاهری، در سوگ علمدار کربلا و سیدالشهدا(ع) به عزاداری می‌پردازند. این صحنه، تصویری روشن از حقیقتی عمیق‌تر است؛ اینکه فرهنگ عاشورا همچنان مهم‌ترین نقطه اتصال میان جامعه و نظام اسلامی به شمار می‌رود و سرمایه معنوی مشترکی است که همه اقشار را حول ارزش‌های الهی گرد می‌آورد.

در سال‌های اخیر هم حضور رئیس‌جمهور پزشکیان در این مراسم نیز بر اهمیت ملی این آیین افزوده است. حضور عالی‌ترین مقام اجرایی کشور در جمع عزاداران حسینی تبریز را نمی‌توان صرفا یک حضور تشریفاتی تلقی کرد. این حضور، حامل این پیام است که راه و فرهنگ عاشورا نه در حاشیه، بلکه در متن حکمرانی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد و مسئولیت سیاسی و مدیریتی نیز در پرتو آموزه‌های مکتب امام حسین(ع) معنا پیدا می‌کند. هنگامی که رئیس‌جمهور و استاندار به عنوان عالی‌ترین مقام دولت در استان در کنار مردم و در فضای یک مراسم مردمی و مذهبی حاضر می‌شوند، در واقع بر اشتراک هویتی میان ملت و حاکمیت بر محوریت ارزش‌های عاشورایی در اداره جامعه تأکید می‌شود. ریشه‌های این سنت حسنه را باید در تاریخ و هویت شگرف و غنی تبریز جست‌وجو کرد. تبریز شهری است که در طول تاریخ معاصر ایران بارها نقش پیشگام را در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی ایفا کرده است. محبت اهل‌بیت(ع)، پاسداشت شعائر حسینی و حضور فعال در صحنه‌های سرنوشت‌ساز کشور، از ویژگی‌های شناخته‌شده مردم این دیار است. طبیعی است که در چنین بستری، مراسمی شکل بگیرد که در آن، ساختمان نمادین حاکمیت استانی به محفل عزاداری مردم تبدیل شود و میان نهاد دولت و بدنه جامعه، پیوندی معنوی برقرار گردد.

شاید بتوان گفت یکی از وجوه منحصربه‌فرد این سنت در کشور، استمرار و جایگاه نمادین آن است. در کمتر نقطه‌ای از ایران می‌توان نمونه‌ای مشابه یافت که طی سالیان متمادی، مرکز عالی مدیریت اجرایی یک استان، در روز تاسوعا به کانون اجتماع عزاداران حسینی تبدیل شود و این مراسم به بخشی از حافظه تاریخی و فرهنگی شهر بدل گردد. این ویژگی، به مراسم تاسوعای استانداری آذربایجان شرقی هویتی خاص بخشیده و آن را از یک برنامه مناسبتی فراتر برده است. اما اهمیت این آیین تنها در گذشته و پیشینه آن خلاصه نمی‌شود. دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی چنین سنتی نیز قابل تأمل است. نخست آنکه این مراسم به تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی کمک می‌کند. مردم هنگامی که مسئولان را در کنار خود و در فضای معنوی عزاداری می‌بینند، احساس نزدیکی بیشتری با ساختارهای حاکمیتی پیدا می‌کنند. دوم آنکه این سنت، ارزش‌های عاشورایی همچون عدالت‌خواهی، مردم‌داری، ایثار، وفاداری و مقابله با ظلم را به عرصه عمومی و مدیریتی جامعه پیوند می‌زند.

سوم آنکه نسل‌های جوان با مشاهده این همدلی و حضور مشترک، درمی‌یابند که عاشورا تنها یک واقعه تاریخی نیست، بلکه فرهنگی زنده و الهام‌بخش برای امروز و فردای جامعه است. در حقیقت، مراسم تاسوعای و عاشورای آذربایجان شرقی را باید نماد عینی یک حقیقت بزرگ دانست؛ اینکه هر جا فرهنگ حسینی محور وحدت قرار گیرد، فاصله‌ها کاهش می‌یابد، سرمایه اجتماعی تقویت می‌شود و جامعه از سرچشمه‌ای پایان‌ناپذیر از معنویت، همبستگی و مسئولیت‌پذیری بهره‌مند می‌گردد.

تبریز با پاسداری از این سنت ارزشمند، بار دیگر نشان داده است که همچنان یکی از پرچمداران فرهنگ عاشورا در ایران اسلامی است؛ فرهنگی که نه‌تنها حافظ هویت دینی مردم، بلکه ضامن پویایی، انسجام و بالندگی جامعه نیز به شمار می‌رود.

***محمد سهرابی**

رقابت ونس و روبیو بر سر ایران



***عاطفه پیرایش، دانشجوی دکتری فلسفه**

خبرگزاری روسی تاس به نقل از مقامی ایرانی نوشته است که سخنان اخیر روبیو در جریان سفر به کشورهای عربی حاشیه ی خلیج فارس، تهدیدی برای توافق میان ایران و امریکا است.

وزیر امور خارجه ی امریکا، مارکو روبیو، به تازگی اظهار کرده که حاکمیت در ایران تغییری نکرده است و نظام جمهوری اسلامی همچنان در اختیار روحانیون تندرو است. او خواستار آن شد که موضوع حمایت ایران از گروه های نیابتی مقاومت در منطقه در مذاکرات مورد بررسی قرار بگیرد. هر چند برخی از تحلیل گران بر این باورند که پیشرفت مذاکرات ایران و امریکا ناشی از تغییرموضع ایران در قبال امریکا و تغییر رفتار آن است اما به نظر می رسد روبیو نسبت به نتیجه ی مذاکرات خوش بین نیست و معتقد است تا زمانی که موضوع نیابتی ها حل نشده، صلح در منطقه پایدار نخواهد بود.

از سوی دیگر، جی.دی. ونس به تازگی مدعی شده است که یک کانال ارتباطی میان سنتکام و سپاه پاسداران باهدف کاهش تنش های نظامی برقرار خواهد شد و فرماندهان دو طرف در دوحه دیدار و گفت و گو خواهند کرد. اما پس از این اعلامیه نیز، تنش های نظامی در تنگه همچنان ادامه دارند و ایران مصمم است اجازه ندهد کشتی ها از مسیری جز مسیر معین شده ی خود، عبور کنند.

از سوی دیگر، پس از سفر قالیباف به عمان، این کشور اعلام کرد که یک مسیردریایی دیگر در سواحل عمان برای کشتی ها در نظر گرفته شده است و کشتی ها می توانند از نیروهای امریکایی حاضر در منطقه، درخواست پشتیبانی کنند.

برخی بر این باورند که رقابت میان ونس و روبیو بر سر مسئله ی ایران پیش درآمدی است برای رقابت انتخاباتی آینده ی این دو برای رسیدن به جایگاه ریاست جمهوری ایالات متحده پس از ترامپ. در این صورت، موضع صلح طلبانه ونس می تواند امریکایی هایی را که با جنگ با ایران مخالف بودند، راضی کند اما مشکل این است که بسیاری از آنها، هر چند با جنگ مخالف بودند، توافق صلح اسلام آباد را به ضرر امریکا می دانند و آن را نشانه ای از شکست امریکا در مقابل ایران قلمداد می کنند.

برخی از تحلیل گران بر این باورند که ایران پس از جنگ چهل روزه و زیر سایه توافق فعلی قوی تر از گذشته خواهد شد و توان هسته ای و موشکی خود را گسترش خواهد داد. این دسته ممکن است موضع روبیو را بیشتر بپسندند اما روبیو تا حدودی بلاتکلیف است و گویی جرئت آن را ندارد که با صراحت لهجه خواستار پیگیری گزینه ی نظامی واشنگتن علیه ایران شود.

مشخصا کشورهای عربی حاشیه ی خلیج فارس که آسیب های بسیاری از اسفند سال گذشته متحمل شده اند، مخالف از سرگیری جنگ هستند و راه حل دیپلماتیک را ترجیح می دهند، به ویژه آنکه امریکا نتوانست از این کشورها در مقابل حملات ایران دفاع کند و پایگاه های امریکایی موجود در این کشورها، خسارات بسیاری دیدند. ممکن است سفر اخیر روبیو به کشورهای حاشیه خلیج فارس، با هدف ایجاد تغییر در موضع این کشورها در قبال ایران صورت گرفته باشد.

از سوی دیگر، ونس در سوییس تلاش می کند امتیازات بیشتری از ایرانی ها بگیرد اما روند مذاکرات همچنان به سود ایران پیش می رود، به خصوص آنکه ایران موفق شده است بدون آن که امتیازی در زمینه هسته ای به امریکا بدهد، بخشی از اموال مسدود شده خود را باز پس بگیرد و تحریم های نفتی ایران نیز به مدت ۶۰ روز تعلیق شده اند.

به نظر می رسد شانس موفقیت ونس بیشتر از شانس روبیو نیست و هر دو در سرازیری قرار گرفته اند

تلفن های تماس
با دفتر
روزنامه امین
***
۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۴
۰۴۱-۳۳۳۵۲۷۷۹

